

۱۳۹۰-۱۳۹۱

اقتصاد در مکتب اسلام

مؤلف

دکتر محمد حسین مستنبط

ویراستار

گشتاسب حکیمزاده



انتشارات صداقت

۱۳۹۳

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست نویسی
 موضوع
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

مستنبط سیدمحمدحسین، ۱۳۴۰-
 اقتصاد در مکتب اسلام/سیدمحمدحسین مستنبط
 تهران: صداقت، ۱۳۹۳.
 ۲۶۳ص.
 ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۴-۹۳-۳
 فیبا
 اسلام و اقتصاد
 ۱۳۹۳ ۷ الف ۱۳۰/۲/م BP
 ۲۹۷/۴۸۳۳
 ۳۴۵۱۷۶۹



انتشارات صداقت

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ کتاب فروردین، طبقه همکف، واحد ۶
 تلفن: ۶۶۴۶۰۱۲۹

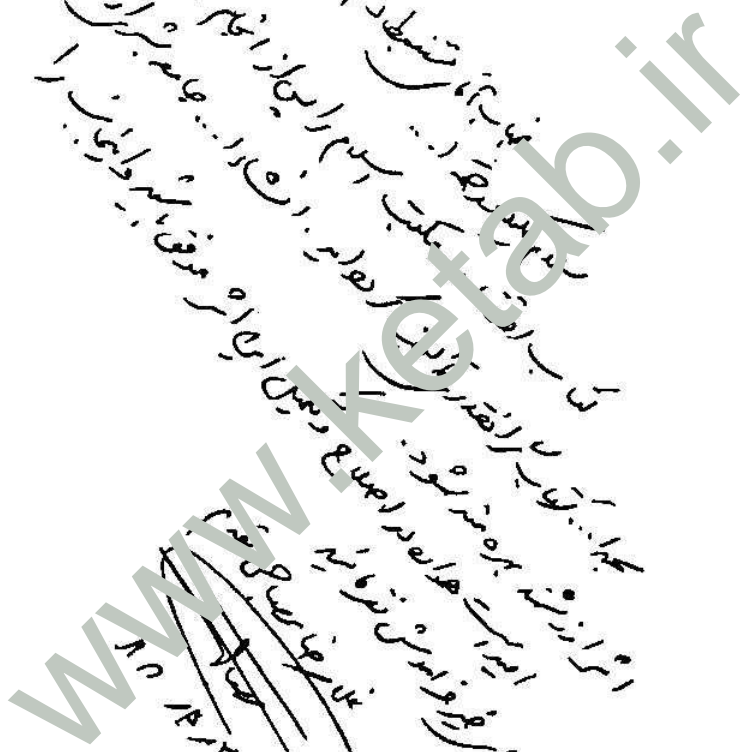
نام کتاب
 مولف
 سال چاپ
 نوبت چاپ
 طراحی جلد
 تیراژ
 قیمت
 شابک

:: اقتصاد در مکتب اسلام
 :: سیدمحمدحسین مستنبط
 :: ۱۳۹۳
 :: اول
 :: علی حسن نژاد
 :: ۱۰۰۰
 :: ۱۲۰۰۰ تومان
 :: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۴-۹۳-۳

کلیه حقوق محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب الایمان در بیان اصول و فروع الدین
 تألیف حضرت امام حسن علی (ع)
 ترجمه و تفسیر در حدیث و روایات
 مؤلف: آیت الله العظمی آقا جواد مغنیه
 مؤید: آیت الله العظمی آقا محمد باقر قزوینی
 نایب: آیت الله العظمی آقا محمد تقی مصباح
 ناشر: انتشارات مطبوعاتی آستان قدس
 تهران - کتبخانه آستان قدس
 ۱۳۶۶



فهرست

ج	پیشگفتار.....
هـ	مقدمه، چاپ اول.....
ک	مقدمه.....
ا	مبانی اقتصاد اسلامی.....
۷	تبيين مفاهيم.....
۱۵	ثروت.....
۴۱	سرمایه.....
۵۹	مالکیت و حقوق.....
۹۱	تجارت.....
۱۱۵	پول.....
۱۳۷	مالیات.....
۱۴۳	رفاه ملی.....
۲۲۵	رهبریت، مدیریت جامعه.....
۲۶۲	منابع و مأخذ.....

پیشگفتار

سرآغاز نوشتار را آغاز می‌کنیم به نام خدا و درود فراوان می‌فرستیم بر پیامبر راستینش، محمد مصطفی (ص) و از زده ستاره‌ی همیشه درخشانش در جهان هستی؛ و اما بعد هدف و تلاش ما از نگارش این کتاب، ارائه‌ی مدل اقتصادی بر اساس احکام و شریعت اسلام برای بشر امروز است و از آنجا که معتقدیم کلام خداوند در قرآن مجید، کلام حق و معیار است، آن را بدون چون و چرا شاقین افکار، گفتار و نوشتار خود قرار خواهیم داد.

اگر از اندونزی و شمال غربی چین تا ایران، شمال غربی آفریقای شمالی را منطقه‌ی جغرافیایی مفروض در نظر بگیریم، مشاهده می‌کنیم که احکام دین اسلام، حکم‌فرماست و اکثر مردم مقیم این منطقه، مسلمان هستند و از دین تورات، یک، آیین همانند، پیروی می‌کنند و کتاب الهی یکسان دارند. بنابراین مقایسه‌های صورت گرفته در این کتاب، خارج از این محدوده نیست و تلاش ما بر آن است، که از فرهنگی سخن بزنیم که متأثر از آیین چیره در این منطقه است و همه به نوعی با آن خو گرفته و بالیده‌ایم. بنابراین تمامی اظهار نظرهای ارائه شده بدون دخالت برداشت‌های فرقه‌ای موجود در دین اسلام و سداها، اند شیعه و سنی و... ارائه شده و اختلاف در تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از احکام اسلام را نادیده گرفته‌ایم و از شریعتی که مرکزیت آن را نص صریح کتاب مقدس قرآن تشکیل داده است، سخن می‌رانیم.

ما در این کتاب به مدد همان نیروی عقلی که ما را به یکتاپرستی سوق داده و به حقانیت وجود خداوند واقف کرده، به ارائه‌ی یک مدل اقتصادی خواهیم پرداخت که منبعث از دستورات صریح اسلام است و تمامی فرق اسلامی تقریباً در آن اتفاق نظر دارند.

پس با نام و یاد او آغاز می‌کنیم و از امام عصر (عج) برای دوری از لغزش‌ها که بسیار خواهد بود، طلب یاری می‌جوئیم و از ولایت برحقاش در خلال لغزش‌ها، راهنمایی و هدایت نبوش می‌کنیم.

www.ketab.ir

مقدمه‌ی چاپ اول

به نام او که انستیتو بی‌منت و حکمتش بی‌دریغ است و با آرزوی سعادت و بهروزی برای امت مسلمان.

این حقیر مدتی بود که به دعوت انستیتو اقتصاد عقلانی (Institution for Rational Economics) که جلسات آن به طور منظم در «هاوس آو لورد» (House of Lords) لندن برگزار می‌شد، به عنوان تحقیر کننده آن در مورد مسائل اقتصادی شرکت می‌کردم. در یکی از نشست‌های این انستیتو که آقای «کنت پالمرتن» نماینده‌ی حزب دموکرات مسیحی در بررسی ارز خارجی آن کشور در حال سخنرانی بود، عنوان کردند که بهره و ربا را تنها احکام شریعت اسلام منع نکرده و حرام نامشده است. این در آیین مسیح نیز این امر مذموم و گناه انگاشته شده و تنها در این مورد بوده که حضرت مسیح (ع) در برخورد با جمعی از ربا خواران و پول فروشان، با تسبیح به آنان خشونت برداشت و از صومعه و عبادتگاهش بیرونشان راند.

در همین حین یکی از مستمعان آزاد به حالت استهزا گفت اگر پیامبر اسلام وام مسکن داشت، هرگز بهره و ربا را حرام نمی‌کرد؛ و این جمله سبب شد سایر شنوندگان با صدای بلند بخندند.

من از این موضوع بسیار ناراحت و غمگین شدم و با علم به ماهیت نگرش مکتب اسلام نسبت به این موضوع، با غیض به خودم گفتم که رسالت حضور تو در این جمع پس از

سال‌ها زندگی و تحصیل در این کشور، شاید این بوده که هم اکنون در این جمع اندیشمندان انگلیسی و مسیحی حاضر باشی و این جمله‌ی نامربوط را بشنوی و پاسخ مقتضی را بدهی. بنابراین با آگاهی نسبی از نگاه دین مبین اسلام نسبت به موضوع بهره و ربا و شناخت اندک از شخصیت برجسته‌ی حضرت محمد(ص) پاسخ آن فرد را دادم.

این پاسخ در این مجلس، مظلومیت را از چهره‌ی نورانی احکام شریعت اسلام نزدود و اذعان می‌کنم که آن‌گونه که شایسته است، خود نیز به حد کفایت از این پاسخ اقیاع نشدم؛ بنابراین به زود فرو رفتم و از خود پرسیدم برآستی کسانی که تازه به دین اسلام گرویده‌اند، اگر در معرض پرسش‌هایی قرار بگیرند، باید چه کنند؟ آیا نه این است که مسلمان باید به ارار لازم برای مقابله با این‌گونه شرایط تجهیز باشد؟ این بود که خود را مسئول دیدم تا دست که به ای تازه مسلمانانی که در کشورهای مانند انگلستان با این‌گونه پرسش‌ها مواجه می‌شوند، سیار و به افاق اقناعی لازم را در حوزه‌ی اقتصاد مهیا کنم و همین امر انگیزه‌ی کافی را برای نوشتن این کتاب به دست داد و این بود که با اقامت در ایران، پژوهش در این عرصه را آغاز کردم. ریبی به ایران آمدم تصمیم گرفتم نظر تعدادی از علمای اعلم را در خصوص مدل اقتصادی مورد تأیید حکومت اسلامی جویا شوم. به همین دلیل طی نامه‌ای به ده تن از علمای معظم، این پرسش را مطرح کردم که «وقتی امکان بهره‌مندی از مدل اقتصاد غیر ربوی برای کشورهای اسلامی وجود دارد، آیا استفاده از اصول اقتصاد ربوی جایز است؟»

در پاسخ به این پرسش موفق به دریافت تنها سه پاسخ از حضرات آیات عظام جناب آقای لطف الله صافی گلپایگانی، جناب آقای سید علی سیستانی و مرحوم محمد تقی بهجت شدم و پاسخ باقی آیات عظام یا دریافت نشد و یا با توجه به مصلحت، تقیه به خرج دادند و از پاسخ دادن امتناع ورزیدند.

حضرت آیت الله عظمی سیستانی و حضرت آیت الله محروم بهجت به همین مضمون فرمودند که فرقی نمی‌کند که حکومت اسلامی از چه مدل اقتصادی استفاده می‌کند. در هر صورت استفاده از مدل اقتصاد ربوی جایز نیست.

حال پرسش این است که اگر هم اکنون پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) در قید حیات بودند، برای هدایت و راهبری جامعه اسلامی، چه قوانینی را حاکم می‌کردند و از کدام مدل اقتصادی بهره می‌بردند. براساس روایات و تاریخ، زمانی که یونانی‌ها در زمان امام سجاد (ع) پارسی‌های حریر صادراتی مسلمانان را در مقابل دریافت کالا تحریم کردند و از ما بجای آن سکه طلا درخواست کردند، امام سجاد علیه سلام به مالک امر کرد که سکه ضرب کنند و روی آن بنویسند: «شهادی لاله الا الله»؛ یعنی شهادت دهندگان به یکتایی خدا. از آن روز پول و سکه‌ی اسلامی در مناسبات اقتصادی رواج پیدا کرد. به یقین اگر امروز نیز چنین پیشوایانی در جوامع اسلامی یافت می‌شدند و چنین دیدگاه جامعی نسبت به جوامع اسلامی وجود داشت، به طور قطع به جای اعتبار نامه و نرخ رسمی دلار و مواردی شبیه آن، معیارها و اسنادی را وضع می‌کردند که منافع جوامع اسلامی را در پی داشته باشد.

بنابراین با این مقدمه حال باید تحقیقاتم را در زمان بی‌دوام و روشی را برمی‌گزیدم که عقلانی و مورد پذیرش خوانندگانم در خارج از ایران باشد و باید تلاش کنم مفاهیمی را عرضه دارم که تصویری واقعی از اقتصاد در دین اسلام ارائه دهد؛ بنابراین دریافتم که اسلام در این خصوص دارای یک مکتب فکری است که بر عقلانیتی استوار است. عقلانیتی که تجلی آن در نخستین اصل و رکن این مکتب فکری موج می‌زند و اساس و بنمایه‌ی عقلانیت در این شریعت جهانی را پی ریزی کرده است. از همین روی نام این کتاب را اقتصاد در مکتب اسلام (Economic In Islamic School Of thought) نام گذاری کردم.

برای تبیین این هدف والا و انسانی ابتدا باید دایره‌ی پژوهش و مطالعاتم را محدود می‌کردم که با توجه به تخصصم در رشته‌ی اقتصاد، آن را محدود به رفتارهای اقتصادی در

مکتب اسلام کردم. بی تردید باید برای این دایره‌ی پژوهش، مرکزیت و محور ثابتی نیز برمی‌گزیدم که با گذر زمان دستخوش تغییر و تحول نشود.

به موازات این امر باید برای تبیین رفتارهای اقتصادی در مکتب اسلام و عقلانیت و منطقی که حاکم بر آن است، مرکزیت و محوری ثابت به مخاطب و خواننده ارائه می‌دادم و طی بررسی‌های مفصل، متقن‌تر و جامع‌تر از کتاب قرآن ندیدم. به این ترتیب بود که طی سال‌های متمادی به مطالعه و بررسی دقیق و جزء به جزء این کتاب روشنی بخش آسمانی پرداختم و تمامی کلمات، آیات و مفاهیمی که به نوعی تجلی احکام و رفتارهای اقتصادی مکتب حکیم اسلام در آن بود را استخراج کردم.

ما در این کتاب بدون تحلیل رفتاری حکومت و جامعه اسلامی خاصی، تلاش می‌کنیم تنها به بررسی ایدئولوژی و مکتب فکری اسلام در چهار چوب اقتصاد پردازیم و به دنبال هیچ مصداقی در میان حضرت‌ها و اسلامی فعلی نبوده و نیستیم که بخواهیم بر اساس آن، مکتب فکری رفتار اقتصادی آن تکوین را تحلیل و بررسی کنیم.

بنابراین نگرش ما در این کتاب نگرش عام به مقوله‌ی اقتصاد در مکتب اسلام و در گستره‌ی امت اسلامی و امت رسول خدا است که صدق‌های آن در زمان خلافت خلفای چهارگانه به خوبی مشهود است.

بدیهی است که در این راه پیچیده و دشوار، چه بسیار گریه‌ها، گرده‌های صعبی که موانع جدی در ادامه‌ی راه ایجاد خواهد کرد و چه بیابان‌هایی رخ خواهد نمود که راه را، بی‌راه و سراب را به فریب آب جلوه خواهد نمود. پس در این شرایط، بیل راهی نیاز است که تو را از این بی‌راهه‌ها و ازهاند و سرسختی گریه‌ها را با حمایت‌های معنوی و علمی، هموار و آسان. به همین دلیل حضرت آیت الله جناب آقای دکتر غلامرضا مصباحی مقدم را که هم از نزدیک با دشواری‌ها و فرازو فرودهای کار اجرایی و حکومت داری دست به گریبان هستند و هم در مجامع دانشگاهی و حوزوی دارای اعتبار و شأن فاخر، به عنوان

استاد و راهنما برگزیدم تا با چراغ هدایت ایشان این راه را در فضای پر ابهام این پژوهش
بیمایم.

شایان ذکر است که در ابتدا قصد داشتم این کتاب را به زبان لاتین بنگارم ولی برای
این که افتخار شاگردی جناب آقای مصباحی مقدم را کسب کنم و برای استفاده‌ی هرچه
بیشتر از نظرات صائب و تاقب ایشان، زبان فارسی را انتخاب کردم.

بی تردید در اولین فرصت ممکن، کار ترجمه‌ی این کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی و
اسپانیایی را در دستور کار قرار خواهم داد، انشاء الله.

مقدمه

در قرن هجدهم میلادی، آدام اسمیت که به پدر علم اقتصاد شهرت دارد، عمده نظرات مشهور خود را در کتاب «ثروت ملل» منتشر کرد. وی افزایش حیرت‌انگیز بهره‌وری را به افزایش زبردستی کارگران متخصص، صرفه‌جویی در وقت به علت عدم پرداختن از کاری به کار دیگر و بسازی ابزار کار توسط کارگران متخصص نسبت داد.

از آنجا که اقتصاد مجموعه اصول و قواعدی است که تحت تأثیر اراده‌ی بشر شکل گرفته و از آن تأثیر پذیرفته است و بر بدیهیاتی مانند ایجاد مهارت و تخصص در نیروی کار، توجه به بهره‌وری و استفاده، بهینه از منابع، رقابت‌پذیری، مدیریت عرضه و تقاضا و... تأکید دارد، مبحث اقتصاد: ارادۀ عقلانی را مطرح می‌کنیم که تحت تأثیر سیاست‌ها و سایر پارامترهایی که سبب دوری از مسیر اقتصاد عقلانی خواهند شد، قرار نخواهیم گرفت؛ هر چند تأثیرپذیری از فرهنگ کشور از آیین حاکم بر منطقه‌ی فرضی و پارامترهایی که ناشی از ایمانمان است، به عنوان عامل تأثیرگذار اصلی و جهت‌دهنده، اما در چهارچوب عقل سلیم به طور مفصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در اقتصاد آزاد و عقلانی باور ما بر این اساس است که تمامی آمار و ارقام حاصل از محاسبات آماری و نمودارهای حاصل از آنها از جمله عرضه و تقاضا و تعادل، ابزارهایی هستند که بر اساس عملکرد افراد (که تحت تأثیر پارامترهای اعتقادی، فرهنگی و جغرافیایی و... هستند) به وجود می‌آیند و صرفاً ابزار سنجش عملکرد (تحت همان شرایط) می‌باشند. بنابراین نمی‌توانند به خودی خود قانون قابل استناد و موجه برای الگوی اجرایی تمامی انسان‌ها باشند.

بر اساس عقل سلیم، افراد مطابق قانون از پیش تعیین شده، توسط نمودارهای تعریف شده سابق کار نمی‌کنند، بلکه نمودارها بر اساس کارکرد انسان‌ها طراحی می‌شوند و بر حسب نیاز به وجود می‌آیند. نادیده شمردن این اصل، در مورد اقتصاد کلاسیک به عنوان یک ایراد مطرح می‌شود؛ تا جایی که «فردمن» اقتصاددان اتریشی بیان می‌کند که انسان تشنه،

برای نوشیدن اولین لیوان آب، قیمت گزاف‌تری نسبت به آدم سیراب پرداخت می‌کند و همان فرد پس از نوشیدن چند لیوان آب دیگر حاضر به پرداخت همان قیمت گزاف بابت یک لیوان آب نخواهد بود، چرا که سیراب و بی‌نیاز شده است.

بر اساس اقتصاد مبتنی بر عقلانیت و در عین حال آزاد، برای فهم بهتر یک رفتار و فعالیت اقتصادی، باید کلیه عوامل تأثیرگذار و عمل و عکس‌العمل‌های طبیعی ناشی از آن رفتار و فعالیت را در چهارچوب منطق حاکم بر آن بررسی و تشریح کرد.

در افواه اقتصاددانان، اقتصاد خرد (Micro Economic) شامل عرضه، تقاضا و ایجاد تعادل میان این دو می‌شود و تمام خصوصیات عمل و عکس‌العمل این نمودارها در روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها، تحت تأثیر پارامترهایی از قبیل فرهنگ، مذهب، شرایط جغرافیایی و باورهای محلی قرار دارند.

به عنوان مثال پارامتر مکانی نقاط سردسیر و گرم‌سیر در خرید و فروش نوشیدنی‌های گرم و سرد تأثیرگذار است. مردم نقاط گرم‌سیری، تمایل بیشتری نسبت به خرید نوشیدنی‌های خنک از خود نشان می‌دهند. در مقابل ساکن نقاط سردسیر، نسبت به نوشیدنی‌های خنک، کم‌میل‌تر هستند. ریاضت‌خوک تحت تأثیر باورهای فرهنگی و مذهبی در میان مردمی با مذهب اسلام مطلقاً حرام است و در میان مردمی با مذاهب دیگر بلامانع است و یا فروش آش در ظهر یکی از روزه‌های ماه رمضان در میان مسلمانان، با استقبال روبرو نخواهد شد، حال آن‌که شب همان روز از این عرضه به شدت استقبال می‌کنند.

چهارچوب‌های فرضی، نشان‌دهنده‌ی جهت، انگیزه و ترجیح ما هستند؛ بنابراین باید مصداق آن‌ها با پارامترهایی که در اقتصاد خرد مطرح نمی‌شوند، گنجانده شود.

از آن‌جا که کره‌ی خاکی توسط کشورها مرزبندی شده است و هر کشور در جهت پیشرفت اقتصادی خود نسبت به سایرین تلاش می‌کند تا نبض اقتصاد جهان را در دست خود بگیرد، مسئولیت ما بدین نحو مشخص می‌شود که جزء کشورهای بالنده باشیم. از این رو به ساختاری که توسط تمام اقشار جامعه پذیرفته شده باشد و با فرهنگ، دین و موقعیت جغرافیایی ما همخوانی داشته باشد نیازمندیم.

با این مقدمه، حال پرسش این است که چه مکتبی در جهان می‌تواند هم‌زمان با جلب اطمینان ما، پاسخگوی تمام موارد فوق باشد؟ پاسخ شاید این باشد که مکتبی که عقلانی می‌اندیشد و خود را متعهد و مسئول می‌داند.

از دیدگاه عقلانی، یکپارچگی درون مرزی، سبب افزایش کارایی و ثروت ملی می‌شود. به عنوان مثال اگر تاجری در کشوری با سرمایه‌گذاری در خارج از کشور ۱۰۰ دلار سود را به دست آورد، در حقیقت ۱۰۰ دلار به سرمایه‌ی ملی افزوده است؛ اما اگر آن کشور نیز در مقابل از جانب کشور ما ۲۰۰ دلار سود به دست آورد، نمی‌توان گفت رشد هر دو کشور یکسان است. این چنین است که از نظر میزان برخورداری از فقر و ثروت اقتصادی، میان کشورها اختلاف پدید می‌آید و در همین راستا است که نقش سیاست‌گذاران را برجسته‌تر می‌کند. اما پرداختن به پاس این پرسش که آیا ثروت افزوده شده بر ثروت ملی، واقعاً بر اساس تلاش و کوشش به دست آمده یا عدد ثروت افزوده شده بر ثروت ملی بر اساس پارامترهای مخصوص تعیین شده است و به تعبیری آمارسازی شده، دو موضوع متفاوت جداگانه‌ای است که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

در مبحث مدیریت ثروت نیز ضمن این که به بحث سرمایه‌گذاری در خارج از مرزهای یک کشور اشاره خواهیم داشت، شرایط تضمین بازگشت سرمایه به این صورت که حتی‌الامکان افزایش ثروت به همراه آورده شده در کشور، بیشتر از سود به ارمغان برده شده به خارج از کشور باشد را، بررسی خواهیم کرد.

حال قبل از هر چیز به معرفی برخی مکاتب مهم و تأثیرگذار اقتصاد می‌پردازیم:

آدم اسمیت؛ اقتصاددان مشهور قرن ۱۸ میلادی و پایه‌گذار مکتب کلاسیک اقتصاد در کتاب خود به نام «ثروت ملل»، اقتصاد را این‌گونه تعریف می‌کند که موضوع علم اقتصاد بررسی ثروت است و اعتقاد دارد که بالابردن میزان تولید، افزایش ثروت را به همراه می‌آورد و قوانین اقتصادی همانند قوانین طبیعی ثابت و علمی و حائز اهمیت هستند.

مارکس؛ مدیریت دولت در اقتصاد را برای تضمین بازگشت سرمایه به دست کارگر می‌داند و ارزش افزوده حاصل از تولید بهتر و بیشتر را به کارگران نسبت می‌دهد.

کینز؛ نظریه‌ی خود را زمانی مطرح کرد که ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد مبتنی بر نظام سرمایه‌داری با یک بحران موسوم به رکود اقتصادی مواجه شده بود. وی تصویر کلی نظام اقتصادی را «جریان دایره‌وار» نامیده است. بنابه اقتصاد کینز، حکومت با قدم گذاشتن در صحنه‌ی اقتصاد می‌تواند پس‌اندازهای اضافی را به صورت «وام» بگیرد و این پول را صرف طرح‌های عام‌المنفعه کند. انتخاب این طرح‌ها مبتنی بر این خواهد بود که ظرفیت تولید اقتصادی جامعه افزایش یابد، اما در عین حال امکانات سرمایه‌گذاری برای آینده کم نشود. در این حالت، تعادلی همراه با اشتغال کامل برقرار خواهد شد.

به جرئت می‌توانیم بگوییم، با تنظیم سیاست اخذ شده می‌توان تناسب‌هایی با جابجایی هزینه‌های دولت با بخش خصوصی به دست آورد. به عنوان مثال می‌توان مناطق آزاد تجاری کیش و قشم را نام برد.

فردمن؛ وی «بازار آزاد را طرح کرد؛ بدین‌گونه که قیمت واردات یک نوع کالا در سراسر دنیا یکسان است و این به سبب افزایش قیمت می‌شود، هزینه گمرک، حمل و نقل، مالیات و... است.

با ذکر این مقدمه پارامترهایی را از دیدگاه اسلامی مورد بحث قرار می‌دهیم و چگونگی به کارگیری اصول اسلام پس از درک مبانی و مفاهیم آن در سیستم اخذ سیاست اقتصادی و اثرات به کارگیری این سامانه در زندگی روزمره بررسی می‌کنیم. پارامترهای مهم در مکتب اسلام هم اکنون به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

۱. ثروت: منظور از ثروت، همان ثروت ملی است.
۲. سرمایه: منظور از سرمایه، زمین، منابع طبیعی، انسانی و ... است. در منابع طبیعی، جمعیت انسان‌ها و تحصیل کرده‌ها نیز مطرح هستند.
۳. مالکیت و حقوق: در این مبحث، تعهدات و حقوق اجتماعی آن‌ها، موقوفات و مصادره‌ی اموال قابل بررسی هستند.
۴. تجارت: تجارت حلال و حرام و گمرک (به عنوان زکات تجارت) که در فقه اهل سنت پذیرفته شده و در فقه شیعه مستحب است پارامترهایی مطرح هستند.

۵. پول: دو مبحث را در این باره بررسی می‌کنیم. ابتدا تعریف پول، بهره‌ی پول و پس از آن ارزش و ارزش واقعی پول.
۶. مالیات: چهار مبحث مهم در این باره عبارتند از: خمس، زکات، بیت‌المال که محل نگهداری اموال عمومی است و جزیه.
۷. رفاه ملی: به پنج موضوع مهم ارتباط دارد که به این شرح هستند: امت، خانواده، یتیم، ابن‌السبیل، تحصیلات، مسکن، اشتغال و بیمه.
۸. رهبریت: ولایت فقیه یا مدیریت جامعه.